



تفسیر نور تفسیری مناسب برای عامه مردم است/ تفسیر نور تفسیری بیانی است

تفسیر نور، تفسیر اجتماعی است و برای همه مردم مفید است. مولف تفسیر آقای قرائتی بعد از انقلاب هم برنامه های درس هایی از قرآن در سیما و آیینه وحی در صدا را داشت که مقدمه ای برای نگارش تفسیر نور شد.

تفسیر نور، تفسیر اجتماعی است و برای همه مردم مفید است. مولف تفسیر آقای قرائتی بعد از انقلاب هم برنامه های درس هایی از قرآن در سیما و آیینه وحی در صدا را داشت که مقدمه ای برای نگارش تفسیر نور شد. در مجموع کاری که آقای قرائتی کرده که تفسیر را همه فهم کند تا همه بتوانند از قرآن بهره ببرند از امتیازات ویژه این تفسیر است.

تفسیر مقدمه ای برای تدبر در قرآن است. چون فهم عمیق و نهانی را تدبر می گویند. از ائمه (ع) این روایت به ما رسیده که هر آیه ای، هر سوره ای بطون مختلف دارد، هر بطنی هفتاد بطن دارد و هر بطن دوباره هفتاد بطن. فهم این بطون مفسران بزرگی می خواهد که نکات قرآن را بیرون بیاورند ولی این که ما ظاهر آیات را تفسیر می کنیم و چیزی که از ظاهر آیات به ما می رسد، بحث ای خاص خود را دارد و به نظر می آمد که تفسیر مقدمه ای برای تدبر و تعمق در آیات قرآن باشد. قرآن می فرماید: «يَسِّرْنَا الْقُرْآنَ»، ما قرآن را برای همه میسر و ساده کردیم. قرآن همه فهم است اما بعضی از لطایف و موارد و اشاراتی دارد که برای برخی خواص و افراد خاص جامعه است.

تفاسیری که امروزه در حال نوشته شدن است، مثلا تفسیر راهنما یا تفسیر نور یا تفسیر تسنیم آیت الله جوادی آملی، سطح بندی است. تفسیر نور آقای قرائتی را عامه مردم می توانند استفاده کنند، بر فرض کسی که از پنجم ابتدایی سواد دارد تا حد لیسانس. تفسیر راهنما هم سطح اش کمی بالاتر است. تفسیر تسنیم آیت الله جوادی آملی همه فهم نیست و مخاطب ویژه ای دارد. به نظر می آمد که همین تقسیم بندی تفاسیر بهتر شده تا همه بتوانند از کتابهای مورد علاقه خودشان بهره ببرند.

ویژگیهای تفسیر نور

تفسیر نور، تفسیری اجتماعی و تربیتی است در میان تفاسیر روایی، ادبی، عرفانی. این تفسیر، تفسیر اجتماعی است و برای همه مردم مفید است. مولف تفسیر آقای قرائتی است که از افراد حلقه تفسیر آیت الله مکارم شیرازی بود و به مدت 10 سال در نگارش تفسیر نمونه فعالیت داشت و بعد از انقلاب هم برنامه های درس هایی از قرآن در سیما و آیینه وحی در صدا داشت که مقدمه ای برای نگارش تفسیر نور شد. در مجموع کاری که آقای قرائتی کرده که تفسیر را همه فهم کند و همه بتوانند از قرآن بهره ببرند از امتیازات ویژه این تفسیر است. یکی از امتیازات ویژه تفسیر نور، انتخاب اسم نور است که امتیاز ویژه ای برای یک تفسیر است. اسمی که برگرفته از نام یکی از سوره های قرآن است. این اسم باعث شد تا بیشتر بین مردم جا بیفتد. از ویژگی های تفسیر نور این است که از اصطلاحات دقیق فنی و ادبی و فلسفی و کلامی، تقریبا به دور است و سعی کرده که در حد عامه و عوام فهم باشد. مفسر پس از اینکه متن آیه را آورده، ابتدا ترجمه را می آورد و بعد از ترجمه نکته هایی را ذکر می کند و پیام ها را به صورت دسته بندی و عددی می آورد. معمولا برخی از پیام ها را از تفاسیر معتبر شیعه و سنی نقل می کند و تلاش مفسر این است که محتوای آیات قرآن را برای عوام مردم توضیح دهد و به اصطلاح مفسران، تفسیر بیانی است.

یکی دیگر از ویژگیهای تفسیر نور این است که اگرچه زبان ساده و فهم عمومی دارد ولی تفسیر سست نیست و خدای ناکرده تفسیر به رأی در آن نیامده است و با توضیحاتی که به ذیل آیات می دهد، راهگشایی در بعضی از مسائل روزمره دارد. به روایات ذیل آیات هم توجه شده اگرچه تفسیر روایی نیست. مولف آن هم صاحب ذوق است، قریحه ای سرشار و در بیان مطالب، استعداد دارد. بسیاری از برداشتها ابتکاری است که مربوط به ایشان است؛ اگرچه از تفاسیر دیگر استفاده شده است. آقای قرائتی امانتدار خوبی است، یعنی مثلا از میزان، الثقلین، البرهان، مجمع البیان یا حتی از تفاسیر اهل سنت نقل کرده است، معمولا آدرس داده و منبع را آورده است. از تفاسیر جدید هم استفاده کرده است. از کتابهای روایی ما مثل بحارالانوار یا حتی نهج البلاغه، از کتاب های اهل سنت، «صحیح مسلم» و «مسند حنبل» استفاده کرده و معمولا آدرسها را ذکر کرده است. گاهی هم در ذیل آیات وارد بحثهای ادبی هم ارائه می دهد. ابتدای هر سوره هم سیمای کلی آنرا توضیح داده و وارد تفسیر می شود. در برخی از آیات شأن نزولها را هم ذکر کرده است. آقای قرائتی در یکی از مجلات تفسیر، ذیل سوره یوسف نوشته که از شنوندگان سیما برای تفسیر سوره یوسف مدد گرفتیم. در سراسر کشور اعلام شد کسانی که نکته ها و پیام هایی از سوره یوسف دارند بیان کنند و آنها را در برخی مجلدات آوردند.

انتقاداتی بر تفسیر نور

ویژگیهای تفسیر نور فراوان است، البته کتاب نوشته بشری، بدون نقص نیست و نقص ها و ایرادهایی هم دارد. معمولا آدرس پانوشتها به شکل کلی است، مثلا در جلد یک صفحه 16 در پانوشت یک دارد که در شفابخشی جسمی و روحی سوره حمد از علامه امینی می نویسد: علامه امینی در تفسیر فاتحه الکتاب روایات زیادی را در این زمینه نقل می کند. همین را در پانوشت یک آورده اما نگفته علامه امینی در کدام کتاب این نکته را گفته، در الغدير گفته یا جای دیگر، کلی گویی های زیادی دارد. بسیاری از موارد است که اسم کتاب را نیاورده، جلد و صفحه را ذکر نکرده است.

همچنین معمولا کتابنامه را ذکر نکرده، معمول این است که هر کتابی که تالیف می شود، ضمن اینکه مقدمه ای دارد، پایان هر

جلد، فهرست منابع و کتابنامه را می آورد که این تفسیر این حالت را ندارد. از نظر ویرایشی هم به نظر می رسد که ضعیف است، باید ویراستار قوی این اثر را ویراستاری کند. از ادبیات روز کمتر بهره برده و سبک و سیاق حوزوی در آن مشخص است. معمولا به عنوان نمونه، می گوید «نموده است» در حالی که نموده اشتباه است و بگوید فلانی این کار را کرده است. اصلاحات ویرایشی و نگارشی باید حذف شود.

پاراگراف بندی استاندارد لازم را ندارد. در پانوشتها گاهی بحارالانوار را نوشته بحار. نکته هایی که مفسر ذیل آیات دارد، بدون شماره است ولی پیامها شماره های عددی و حسابی دارد. به نظر می آمد که اگر نکته ها هم شماره داشت بهتر بود. اگر هم بین نکته ها و پیام ها اشتباه می شد، می توانست نکته ها را با حروف ابجد و پیامها را با شماره ها شماره گذاری کند. در پانوشتها مثلا آمده بقره، ویرگول، 166 در حالی که بهتر بود بگوید سوره بقره، آیه 166. یا بگوید سوره بقره آیات 166 خط تیره به معنی تا 167.

یکی از انتقاداتی که می توان به این تفسیر وارد کرد این است که به نظر می آمد جامعیت و مانعیت را ندارد. ایشان در عین اینکه می گوید می خواهم مختصر بنویسم اما مشاهده می کنیم که لفظهای طولانی دارد که می شد بعضی از اینها حذف شود. بعضی از مطالبی که لازم تر بود بگوید را نفرمود و بعضی مطالب حاشیه ای را نمی آورد تا تفسیر مختصرتر می شد چون اصل و بنای ایشان بر اختصار است و در مجموع به نظر می رسد که نگارش کتاب دست خود ایشان نبود و افراد دیگری هم بوده اند که خودشان در مقدمه آورده اند ولی بحثهای لازم نشده چون به نظر می رسد مردم جامعه از بیان آقای قرائتی بهتر استفاده می کنند تا سخنان و نوشتارش. بنابراین همان صبغه گفتاری را به شکل نگارش در می آوردند. گاهی موارد در تبدیل گفتار به نوشتار فاصله هایی را ایجاد کرده است. از نظر ساختار هم شکل کتاب فونت هایش خیلی بزرگ است. می توانست فونت ها کوچکتر باشد. فاصله بین متن و فاصله بین پاراگراف ها زیاد است. اگر این نکته ها رعایت می شد دوازده جلدی که ایشان تالیف کردند در 6-7 جلد خلاصه می شد، چون اصلا بنای تفسیر بر اختصار است. به هر صورت، از سعی و تلاش این بزرگ مرد که چندین سال است در حوزه قرآن و تفسیر و همچنین درسهایی از قرآن تلاش می کند، تقدیر و تشکر می کنیم ولی این تفسیر می توانست بهتر از این شود. ان شا الله در ویرایش ها و نگارش های بعدی به شکل بهتری بروز خواهد کرد و همه شیفتگان قرآنی و علوم و معارف اهل بیت، ان شاء الله از این کتاب گران سنگ استفاده خواهند کرد.*

*حجت الاسلام ولی الله عیسی زاده، کارشناس تفسیر و علوم قرآنی